

Sasanians at the court of the Liang dynasty (502 - 557 AD)

Hamidreza Pashazanous 

Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan, Iran. E-mail: h.pasha@ltr.ui.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 28Feb 2021

Received in revised

form:20June 2021

Accepted: 25July 2021

Published online:23Oct 2021

Keywords:

Sasanians,

China,

Liang,

Liangshu,

Zhigongtu

ABSTRACT

In the first half of the sixth century AD, northern China was riven by internal conflict, and in the south, there was a period of peace. The Liang dynasty ruled large parts of southern China from 502 to 557, and their capital hosted foreign monks and merchants. In this period, the historical sources from the Liang period provide us important information about the relations between China and Iran in the Sassanid period. In addition to *Liangshu*, which reports that the Persian king sent an ambassador to Liang's court in 530, 533, and 536 A.D., Liang Zhigongtu contains a portrait and an inscription of Sasanian Persia and its ambassador which is very interesting. In these sources, for the first time, information about the name of the founder of the Sassanid dynasty and a prince named Qituo is mentioned, which is unique in its kind. Researchers have not yet paid attention to this information or have not been careful in finding their equivalents. Thus, the present article tries to examine this information. Furthermore, while Khosrow Anushirvan was practically the ruler of the country during the last years of the Sassanid Ghobad rule, the inscription of Zhigongtu mentions Qituo who sent an ambassador to Liang's court. Comparing the above inscription with Pahlavi and Islamic texts implies that this prince is Khosrow I.

Cite this article Pashazanous, Hamidreza (2021). Sasanians at the court of the Liang dynasty. *Journal of Historical Researches of Iran and Islam*, vol:15 No:29 Page102-130. DOI: [10.22111/JHR.2021.37215.3047](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.37215.3047)



© The Author(s). Pashazanous, Hamidreza

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: [10.22111/JHR.2021.37215.3047](https://doi.org/10.22111/JHR.2021.37215.3047)

ساسانیان در دربار خاندان لیان (م. ۵۵۷ - ۵۰۲)

حمیدرضا پاشازانوس^۱

۱. استادیار گروه تاریخ و ایرانشناسی دانشگاه اصفهان، ایران: h.pasha@ltr.ui.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>نیمه نخست سده ششم میلادی، شمال چین عرصه نزاع‌های درونی خاندان وی بود و در جنوب، دوره‌ای از صلح و آرامش برقرار بود. خاندان لیان در طی سال‌های ۵۰۲ - ۵۵۷ بر بخش بزرگی از جنوب چین حکومت می‌کرد و پایتخت آن‌ها میزبان راهبان و بازرگانان خارجی شده بود. در این دوره منابع تاریخی لیان، اطلاعاتی مهمی از مناسبات چین و ایران در دوره ساسانی در اختیار ما می‌گذارند. علاوه بر لیان‌شو که گزارش‌هایی از ارسال سفیر توسط شاه پارس به دربار لیان در سال‌های ۵۳۰، ۵۳۳ و ۵۳۵ ارائه می‌دهد، لیان جی‌گون تو (Liang Zhigongtu) حاوی پرتله از سفیر پارس و کتیبه‌ای در مورد پارس و سفیر آن است که بسیار جالب است. در این آثار برای نخستین بار اطلاعاتی از نام بنیان‌گذار سلسله ساسانی و شاهزاده‌ای موسوم به کی‌تو آورده شده است که در نوع خود منحصر به فرد است. با توجه به اهمیت این منابع و ناشناخته ماندن آن‌ها، مقاله حاضر سعی دارد تا به روش تحلیلی-توصیفی اطلاعات آن‌ها را با یکدیگر مقایسه و بررسی کند. همچنین درحالی که خسرو انوشیروان در واپسین سال‌های حکومت قباد ساسانی عملاً اداره‌کننده کشور بود، تطبیق کتیبه فوق با متون پهلوی و اسلامی گویای این است که شاهزاده «کی‌تو» در کتیبه جی‌گون تو همان خسرو اول است.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳</p> <p>تاریخ نشر آنلاین: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: ساسانیان، چین، لیان، لیان‌شو، جی‌گون تو.</p>

استاد: پاشازانوس، حمیدرضا؛ (۱۴۰۰). ساسانیان در دربار خاندان لیان (۵۰۲ - ۵۵۷ م.). پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام دوره ۱۵ شماره ۲۹ ص: ۱۳۰-۱۰۲.

DOI: 10.22111/JHR.2021.37215.3047

مقدمه

نیمه اول سده ششم میلادی در ایران مصادف است با دوره حکومت دو تن از مشهورترین شاهان ساسانی که اقدامات بسیاری در تثبیت مرزهای ایران ساسانی و اعتلای فرهنگ آن داشتند. قباد اول در دوره دوم پادشاهی خویش سعی در سروسامان دادن به امور داخلی داشت. از یک سو به چاره‌ای برای دفع خطر مزدکیان می‌اندیشید و از دیگر سو سعی داشت زمینه جانشینی فرزندش خسرو را فراهم سازد. با جلوس خسرو اول بر تخت سلطنت (۵۷۹-۵۳۱ م.) که بازگوی اعتلایی در تاریخ ساسانیان است، عصر تازه‌ای از شکوفایی فرهنگی و اقتصادی ایران شکل می‌گیرد. یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت فرهنگ عصر خسرو انوشیروان، ایجاد امنیت در مرزهای ایرانشهر و نیز تمرکز سیاسی و اداری جهت حفظ یکپارچگی آن بود. مورخان بر این باورند که شکوفایی تمدن‌ها هنگامی امکان ظهور می‌یابد که هرج و مرج و ناامنی از بین رود. زیرا که ایجاد علاقه و انگیزه برای پیشرفت و اعتلای دانش و فرهنگ تنها زمانی شکل می‌گیرد که امنیت وجود داشته باشد و شخص محیط مناسبی برای اندیشیدن و کسب دانش داشته باشند. در این دوره برخی بر این باورند که تمرکز و انسجام در نظام سیاسی و اداری شاهنشاهی ساسانی به اوج خود رسید. خسرو اول استحکاماتی در مرزهای ایران در بیابان سوریه و دربند قفقاز بنا کرده و دیوار ناتمام یزدگرد دوم را در مشرق دریای خزر یعنی دشت گرگان تکمیل کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۸۴). وی توانست به یورش‌های هیاطله به خاک ایران پایان دهد. هیاطله که مدتهای مدیدی ایران را آزار می‌دادند، خود با تهاجم قوم جدید ترک، مواجه گردیدند. ترکهای تازه نفس در اتحاد با شاه ایران (خسرو انوشیروان) هیاطله را شکست دادند و سرزمینشان را بین خود تقسیم کردند. اگرچه به تدریج خود نیز بر سر بهره برداری بیشتر از جاده ابریشم و مسایل دیگر سیاسی و اقتصادی، دچار اختلاف شدند (رضا، ۱۳۸۱: ۱۲۰). رونق جاده ابریشم باعث انتقال فرهنگی نیز شده بود و انوشیروان که شخصیتی هنر دوست و دانش پرور داشت، ارتباط فرهنگی با هند، روم، چین و دیگر تمدن‌ها برقرار ساخت. از سوی دیگر، جدال‌های داخلی در چین در قرن ششم میلادی منجر به تجزیه سلسله وی شمالی در شمال چین حدود سال ۵۳۴ م. به دو حکومت نوپای وی شرقی (۵۵۰-۵۳۴ م.) (۱) و وی غربی (۵۳۵-۵۵۶ م.) (۲) شد. خاندان لیان نیز به واسطه ذکاوت و سعی امپراتور اوو (۵۰۲-۵۴۹ م.) (۳) مناطق جنوبی چین را در دست گرفتند. امپراتور اوو که پس از امپراتور سلسله چینگ، کیان لون (۱۷۱۱-۱۷۹۹) (۴)، طولانی‌ترین دوره سلطنت در تاریخ چین را داشت، معروف بود به اینکه «دانشی وسیع دارد، شعر می‌گوید و بر اسب‌سواری، تیراندازی، موسیقی، خطاطی و بازی وی چی مسلط

است. «(Eberhard, ۱۹۷۱: ۱۶۱-۱۶۲)». دانش وسیع و ایمان عمیق وی به دین بودایی باعث شد (Ibid: ۱۶۱-۱۶۲) تا مردم چین او را در حلقه «هشت دوست جین‌لین» (۵) قرار دهند. به هر روی اختلافات در بین بازماندگان خاندان وی باعث شد تا خسرو اول به دربار لیان سفیر ارسال کند. از همین روست که در آثار دوره وی از ارسال سفیر پارس سخن می‌رود. پژوهش‌های مربوط به روابط ایران و چین در عصر باستان تا کنون تنها اشاره‌های اندکی به ارسال سفیر ساسانیان به دربار لیان داشته‌اند (Pulleyblank, ۱۹۹۱). فقدان پژوهشی مستقل در این باره، ضرورت بررسی جزئیات روابط ساسانیان و دربار لیان را دوچندان ساخته است. مقاله حاضر بر آن است تا با بررسی اطلاعات مربوط به ساسانیان در منابع دوره لیان، محتوای این اطلاعات را که برای نخستین بار از نیای ساسانیان و شاهزاده‌ای به نام «کی‌تو» (۶) نام می‌برند، مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. در نوشتار حاضر همچنین اطلاعات مربوط به ساسانیان در دیگر متون نیز بررسی می‌شود تا فهم درستی از اطلاعات متون لیان ارائه شود.

راه‌های تجاری ساسانیان با شرق دور در سده ششم میلادی

همانطور که اشاره شد، سال‌های سلطنت امپراتور اوو مقارن با بخشی از دوره سلطنت قباد اول (۴۹۶-۴۸۸ و ۴۹۹-۵۳۱ م.) و خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م.) است. پژوهش‌های جدید مبتنی بر گفته ادوین پولی‌بلنک (۷) بر این باور هستند که دربار لیان در دو موقعیت در سال‌های ۵۳۳ م. و ۵۳۵ م. پذیرای سفرای شاه پارس بود (Pulleyblank, ۱۹۹۱)؛ اما نگاه دقیق‌تر بر فصل‌های سوم و پنجاه و چهارم لیان‌شو گویای این است که این اثر حداقل سه مرتبه از ورود سفرای شاه پارس به دربار امپراتور اوو گزارش داده است که به ترتیب گاهشماری عبارت است از:

波斯國，中大通二年，遣獻佛牙。

سرزمین بوسی (۸) [پارس]: در سال دوم دوره جون‌داتون (۹) (۵۳۰ م.)، این سرزمین [پارس] فرستادگان خود را به منظور پیشکش دندان بودا فرستاد. (Yao Cha et al, ۱۹۷۳, j. ۵۴: ۸۱۵)

中大通五年秋八月庚申，波斯國遣使獻方物。

در ماه هشتم از سال پنجم دوره جون‌داتون (۱۰) (۵۳۳ م.)، سرزمین پارس سفیری به همراه هدایا برای پیشکش فرستاد. (Yao Cha et al, ۱۹۷۳, j. ۳: ۷۷)

大同元年夏四月庚子，波斯國獻方物。

در ماه چهارم از سال اول دوره دا تون (۵۳۵ م.)، (11) سرزمین پارس هدایایی را پیشکش کرد. (Yao Cha et al, ۱۹۷۳, j. ۳: ۷۹)

هر سه هیأت اعزامی ذکر شده در بالا، به دربار امپراتور اوو از خاندان لیان (۵۴۹-۵۰۲ م) (۱۲) وارد شدند که آیین بودا را به عنوان مذهب رسمی لیان اعلام کرد. این امپراتور از دیرها و ترجمه نوشته‌های بودایی پشتیبانی می‌کرد و پایتخت او میزان راهبان و بازرگانان خارجی بود (Wright, ۱۹۵۹: ۵۱). پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا ساسانیان برای نخستین بار به دربار حکومتی در جنوب چین سفیر اعزام کردند؟ با نگاه به سابقه ارتباط دیپلماتیک بین چین و ایران مشخص می‌شود که ساسانیان همواره از طریق مسیر شمالی جاده ابریشم سفیر به دربار حکومت‌های چینی اعزام می‌کردند و هرگز در چند قرن بعد از سقوط سلسله هان سفیری به حکومت‌های جنوبی چین نفرستادند. شاید یکی از دلایل این اقدام ساسانیان، تمایل سفرای ایرانی برای سفر به جنوب چین و ورود به دربار سلسله لیان به خاطر جنگ داخلی آن سال‌ها بر سر قدرت در خاندان وی شمالی که در سال ۵۳۴ م. منجر به تقسیم امپراتوری وی به بخش شرقی و غربی گشت، دانست.

تماس فرهنگی ایران و هند گویای این است که مسیر جنوبی جاده ابریشم در زمان خسرو اول از امنیت برخوردار بوده است، درحالی‌که مسیر شمالی جاده ابریشم در آسیای مرکزی به واسطه جنگ‌های هپتالی‌ها و شروع فتوحات ترکان از امنیت برخوردار نبود؛ به عبارت دیگر، در سال‌های ابتدایی سلطنت خسرو اول ساسانیان به ندرت از مسیر شمالی استفاده می‌کردند که خود رونق مسیر جنوبی و البته مسیر دریایی با هند و چین را در پی داشته است. طبق وی لو (Yu Huan, ۲۰۰۴) (۱۳) مسیرهای تجاری با شرق دور و هند در این دوره عبارت بودند از:

- مسیر شمالی که بر طبق گزارش هان‌شو اصلی‌ترین مسیر ارتباط شرق و غرب آسیا بود، از طریق استان گانسوی چین از استان شآنشی (۱۴) به شمال غربی می‌رفت که خود در ادامه به چند شاخه تقسیم می‌شد و بعد از گذشتن از شهرهای مهم آسیای مرکزی به مرو می‌رسید.
- مسیر جنوبی یا مسیر قره‌قروم (۱۵) عمدتاً یک مسیر منفرد از چین به پاکستان از طریق کوه‌های قره‌قروم بود. این مسیر سپس به سمت غرب رفته که در ادامه مسافران می‌توانستند از طریق دریا سفر خود را ادامه داده یا به مسیر ادامه داده تا با عبور از کوه‌های مرتفع هندوکش و شمال پاکستان، از افغانستان عبور کرده و به مسیر شمالی

- نزدیک مرو بییونددند. این مسیر در هرات از جاده‌ای فرعی نیز برخوردار بود که وارد فلات مرکزی ایران شده و با عبور از کرمان به شوش و خاراگس متصل می‌شد.
- جاده جنوب غربی یا جاده «اسب چای» (۱۶) که جنوب غربی چین را از طریق میانمار به بنگال، هند و از طریق سیچوان به تبت و مرکز چین متصل می‌کرد.
 - مسیر دریایی جاده ابریشم اشاره دارد به راهی که مصر، روم شرقی، ایران، هند، چین و آسیای جنوب شرقی را به هم متصل می‌کند.

مسیرهای فوق مهمترین شاهراه‌های ارتباط ایران با هند و چین در زمان خسرو اول بود. مسیرهای خشکی قدمتی طولانی دارند و از زمان امپراتور اوو از سلسله هان به طور رسمی مورد استفاده حکومت‌های هان و ایران اشکانی قرار می‌گرفتند. در قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم مسیر شمالی دچار ناامنی شد و تبادلات سیاسی و فرهنگی از طریق آن اندک صورت می‌گرفت. به همین جهت، مسیرهای جنوبی که بخشی از آن به جاده باستانی «اسب چای» متصل می‌شد در کنار مسیر دریایی رونق بسیار یافت ((Sigley, ۲۰۱۳: ۲۳۷). با توجه به سکه‌های کشف شده در بنادر جنوبی چین و شواهد و مدارک باستان‌شناسی حضور ایرانیان در چین در اواخر دوره ساسانی و متون تاریخی این دوره، به نظر می‌رسد که در اواخر دوره ساسانی میان ایران و چین تماس‌هایی از طریق مسیرهای جنوبی جاده ابریشم وجود داشته است (Schafer, ۱۹۵۱: ۴۰۸).

بر اساس سکه‌های ساسانی که در نواحی ساحلی استان گوانگ‌دونگ در نزدیکی دریا یافت شده‌اند، می‌توان این‌گونه فرض کرد که مسکوکات از طریق مسیر «اسب چای» یا مسیر دریایی جاده ابریشم و به احتمال بسیار از استان فارس به بنادر جنوب چین راه یافته‌اند (Sun, ۲۰۰۴: ۴۲). برخی از سکه‌های یافت‌شده در استان گوانگ‌دونگ، نام قباد اول بر آن‌ها نقش بسته است و همچنین ضرب ضرابخانه فارس و نواحی هم‌جوار هستند (Cribb, ۱۹۸۶: ۸۱۴). علاوه بر سکه‌های کشف شده در گوانگ‌دونگ، حداقل در سه محوطه نزدیک دریا، در جنوب شرقی چین نیز سکه‌هایی متعلق به ساسانیان یافت شدند. این محوطه‌ها شامل کوکوگنگ، (۱۶) بینگ‌داک (۱۸) و سویی‌کای (۱۹) هستند که به احتمال زیاد با ساسانیان تجارت داشتند (Nai, ۱۹۶۱: ۹۳، ۱۰۷). بسیاری از سکه‌ها، مربوط به اواخر قرن پنجم میلادی هستند و برخی نیز به قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی تعلق دارند (Nai, ۱۹۶۱: ۹۵).

براساس گفته کوسماس ایندیکوپلوستس (۲۰) که بازرگانی از اسکندریه بود و همچنین طبق گفته پروکوپئوس (۵۶۵-۵۰۰ م.)، بازرگانان ایرانی و چینی در حدود قرن ششم میلادی برای مبادله تولیداتشان به طور منظم با هم ارتباط داشتند (۳۶۶-۳۶۷: ۱۸۹۷، Cosmas). حضور ساسانیان در سیلان، قدرت عظیم بازرگانی آنها را نشان می‌دهد. مطابق روایت ثعالبی، ناوگان ساسانی در حکومت خسرو اول، سیلان را فتح کردند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۸؛ دریایی، ۱۳۸۴: ۵۰). در قرن ششم، کالاهای بوسی (۲۱) (ساسانی) نقش مهمی ایفا می‌کرد (۲۲). در نانشی اطلاعات مربوط به سفر فرستاده خسرو اول به دربار لیان آمده که جالب توجه است:

梁中大通二年，始通江左，遣使獻佛牙。

سرزمین بوسی [پارس]: در سال دوم دوره جون‌داتون (۵۳۰ م.)، این سرزمین [پارس] ارتباط خود را با جیان (۲۳) واقع در جنوب رودخانه چان‌جیان آغاز کرد و فرستادگان خود را به دربار سلسله لیان فرستاد تا دندان‌های بودا را به امپراتور چین پیشکش کند (۱۹۷۵: Li Yanshou, ۱۹۸۶).

در جمله فوق «جیان‌زو» (۲۴) به معنی «سمت چپ جیان» رود (۲۵) چان‌جیان (۲۶) است. از آنجاکه پایتخت سلسله لیان در سمت چپ آن رود قرار داشت، عبارت «جیان‌زو» به معنای دربار سلسله لیان است ... مناطق حاصلخیز به طور عمده در جنوب رود چان‌جیان اطراف پایتخت سلسله‌های جنوبی وجود داشت. جیان‌کان (۲۷) پایتخت سلسله لیان بوده و در ساحل جنوبی رود قرار داشته است، بنابراین متن به این شهر اشاره دارد. به هر حال وقتی عبارت «جیان‌زو» در متون سلسله‌های شمالی و جنوبی مطرح می‌گردد، به دربار سلسله‌های جنوبی که لیان یکی از آنها بوده، اشاره دارد (۲۸). با توجه به محل جیان‌کان در گوشه شرقی رود چان‌جیان این احتمال وجود دارد که فرستادگان ساسانی از مسیرهای جنوبی جاده ابریشم: مسیر «اسب چای» یا جاده دریایی ابریشم به دربار لیان سفر کردند.

ساسانیان در دربار لیان

الف) متون چینی

همانطور که اشاره شد علاقه خسرو انوشیروان به دریافت دانش و دیگر مظاهر تمدنی از تمدن‌های همجوار ایران ساسانی، بسیار بود. برای نمونه منابع گزارش می‌دهند که وقتی مدرسه نوافلاطونیان توسط یوستینیانوس تعطیل شد، فیلسوفانی که در آنجا مشغول به تحصیل بودند، از آن به دربار خسرو آمدند (۳۰: ۲۰۱۴، Daryaei). همین میل و علاقه خسرو احتمالاً وی را بر آن داشت تا سفرایی را به دربار لیان بفرستد. پیشکش دندان‌های که به بودا منسوب بوده توسط شاه ایران را تنها می‌توان اقدامی از سوی خسرو اول دانست که تساهل دینی بالایی داشت. با توجه به تسلط لیان بر مناطق جنوبی چین و دوری آن از هون‌های آسیای مرکزی، این سفرها به احتمال بسیار نه بخاطر اتحاد با چین علیه هیتالی‌ها بلکه با هدف گسترش مناسبات تجاری و فرهنگی به چین فرستاده شده بودند. مطابق منابع از اواخر دوره اشکانی و آغاز دوره ساسانی، بازرگانان ایرانی و مبلغان مذهبی که از چین دیدن می‌کردند، به ترویج ادیان بودایی، زرتشتی، نسطوری، مانوی در چین می‌پرداختند و حتی مأموران ساسانی با کلمه چینی ساپائو نامیده می‌شدند (Laufer, ۵۲۹: ۱۹۱۹). این سفرها که اکثراً از طریق سغد و از مسیر شمالی جاده ابریشم صورت می‌گرفت، باعث رواج دین‌های ایرانی و غیر ایرانی به ویژه بودایی در چین شد. دین بودایی که از سده دوم میلادی تا سده چهارم میلادی توسط آن‌شی‌گائو و پیروانش در لویان و مناطق مرکزی چین رواج پیدا کرده بود، آمیخته با عناصر دینی زرتشتی و ایرانی بود (تجدد، ۱۳۶۹: ۲۶۲ - ۲۶۳). تا اینکه چینی‌ها از سده چهارم و پنجم مستقیماً به هند (خاستگاه دین بودایی) رفته و مستقیم از بوداییان هند این دین را تعلیم می‌دیدند. رواج دین بودایی در سرزمین لیان باعث شد تا امپراتور اوو به این دین ایمان بیابد که خود کمک بزرگی به ثبات این کشور در زمان امپراتور اوو نمود.

لیان‌شو در فصل پنجاه و چهارم از حضور سفیر ساسانی در سال ۵۳۰ میلادی به دربار اوو و تقدیم هدایا به امپراتور اوو گزارش می‌دهد. در این گزارش اطلاعات بیشتری نیز از کشور بوسی (ساسانی)

ارائه می‌دهد که بخشی از آن منحصر به فرد و تنها در این منبع دیده شده است. متن لیان شو عبارت است از:

波斯國，其先有波斯匿王者，子孫以王父字為氏，因為國號。國有城，周迴三十二里。城高四丈，皆有樓觀。城內屋宇數百千間，城外佛寺二三百所。西去城十五里有土山，山非過高，其勢連接甚遠，中有鷲鳥瞰羊，土人極以為患。國中有優鉢曇花，鮮華可愛。出龍駒馬。鹹池生珊瑚樹，長一二尺。亦有琥珀、馬腦、真珠、玫〈王回〉等，國內不以為珍。市買用金銀。婚姻法

: 下聘訖，女婿將數十人迎婦，婿著金線錦袍，師子錦袴，戴天冠，婦亦如之。婦兄弟便來捉手付度，夫婦之禮，於茲永畢。國東與滑國，西及南俱與婆羅門國，北與汎慄國接。中大通二年，遣使獻佛牙。

سرزمین بوسی: یکی از اجداد مردم آن «شاه بوسی‌نی» (۲۹) بود که بازماندگانش بخشی از نام وی را از روی احترام به عنوان نام خانوادگی‌شان انتخاب کردند. سپس آن نام به کشورشان اطلاق شد. در این کشور شهری وجود دارد که مساحت آن سی و دو لی است. دیوار شهر، چهار ژان ارتفاع دارد و در همه جای روی آن ساختمانهایی وجود دارد. در داخل شهر چند صد تا هزار خانه و معابد وجود دارد و در خارج از شهر نیز دویست یا سیصد معبد بودایی وجود دارد. پانزده لی در غرب شهر کوههایی وجود دارد. کوه‌ها خیلی بلند نیستند اما تا دوردست امتداد یافتند. در میان کوه‌ها کرکس‌هایی وجود دارند که گوسفندان را می‌بلعدند و بومیان را بسیار آزار می‌دهند. در این ایالت گلی به نام یوبوتان (۳۰) وجود دارد که بسیار دلپذیر بوده و رنگ روشن دارد. این سرزمین کره اسب‌های سرحال تولید می‌کند. در دریاچه‌ها درخت‌های شان‌بو (۳۱) [مرجانی] وجود دارد که طول آنها یک یا دو چی (۳۲) است. همچنین هوپو (۳۳)، مانائو (۳۴)، «مرواریدهای اصل» و می‌گوئی (۳۵) [میکا] وجود دارد که در این سرزمین ارزش زیادی ندارند. در بازارها کالاها با طلا و نقره معامله می‌شوند. رسوم زناشویی به شرح زیر است: هنگام پیشکش هدایای نامزدی، داماد به همراهی مردانی که تعدادشان می‌تواند به ده‌ها نفر برسد، به خانه عروس رفته تا او را به خانه خود ببرد. داماد جامه‌ایی زربفت با بافتی از نخ طلائی، سلوار طلادوزی شده با طرح شیر و همچنین کلاه‌های باشکوه به تن می‌کند، عروس او نیز به همین ترتیب آراسته می‌گردد. سپس برادران عروس می‌آیند و میچ او را

می‌گیرند تا او را به داماد تحویل دهند. در این هنگام مراسم ازدواج به پایان می‌رسد. این کشور در شرق با هپتالی‌ها و در غرب و جنوب با سرزمین پولومن (۳۶) و در شمال با کشور فان‌لی (۳۷) همسایه است. در سال دوم دوره جون‌داتون (۳۸) (۵۳۰ م.)، این سرزمین [کشور پارس] فرستادگان خود را به منظور پیشکش دندان بودا فرستاد (Yao Cha et al, ۱۹۷۳, j. ۵۴: ۸۱۵).

متن فوق که توسط کاتبان سلسله لیان ثبت گشته و در دوره امپراتور ون (۶۰۴-۵۸۱ م.) از خاندان سوئی (۳۹) در کتاب لیان‌شو جای داده شده است، اطلاعات مفصلی در مورد ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی ساسانیان ارائه می‌دهد. در ابتدا از «شاه بوسی‌نی» نام برده می‌شود که نیای ساسانیان بوده و نام سلسله از اسم وی گرفته شده است. آوانوشت این نام با آوانوشت نام «پسنادی» یکسان است. این شباهت تصادفی نیست. پسنادی (۴۰) یا پرسناجیت (۴۱) یکی از شاهان سلسله آیکواکا (۴۲) در کوسالا (۴۳) بود. او یکی از برجسته‌ترین پیروان بودا بود که صومعه‌های بسیاری را بنا کرد. از آنجاکه خاندان لیان بر کیش بودایی بودند، با نام‌های مشاهیر بودایی آشنا بودند. این آشنایی باعث شد تا کاتبان بودایی دربار لیان نام نیای ساسانیان را که برایشان ناآشنا بود، با آوانوشتی که برای پسنادی (۴۴) به کار می‌بردند، ثبت کنند. پرسش مهم در اینجا این است که «شاه بوسی‌نی» کیست؟ منابع تاریخ ساسانی از ساسان و پاپک به عنوان نیای ساسانیان یاد کرده‌اند. در مورد هر یک از این دو شخصیت، منابع اطلاعات متفاوتی ارائه داده‌اند. به طور کلی منابع ساسانی چهار نظر متفاوت در مورد ساسان و بابک به دست دادند. برخی ساسان را پدر پاپک و پدر بزرگ اردشیر دانسته‌اند (طبری، ۱۳۷۵، جلد دوم: ۵۸۰؛ مجمل‌التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۳۲-۳۴). منابع دیگر نیز به ترتیب اردشیر را پسر ساسان و نوه دختری پاپک معرفی کردند. برای نمونه، در بندهش آمده است که «اردشیر بابکان که او را مادر دختر بابک است، پدر ساسان است» (فرنیغ دادگی، ۱۳۷۵: ۱۵۱). دیگر منابع نیز تنها اردشیر را از تبار ساسان دانسته (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۹) و یا اردشیر را پسر بابک و نوه دختری ساسان معرفی کردند (فرنیغ دادگی، ۱۳۷۵: ۱۵۱). به هر روی، منابع ساسانی جایگاه مهمی برای ساسان قائل شده‌اند. برای نمونه، شاپور در کتیبه کعبه زرتشت گوید: «ما فرمان دادیم... یک گوسفند یکساله، یک بره و پنج هوفن (۴۵) نان، چهار پیمان می برای [آمرزش] روان ساسان خدای و بابک شاه و شاپور شاه بابکان و اردشیر شاهنشاه» پیشکش شود (Sprengling, ۱۹۵۳: ۱۷).

مثال، نرسی در کتیبهٔ پایکولی به «خاندان ساسان» اشاره کرد (Skjærvø et al, ۱۹۸۳: line ۱۳, ۸۰).
(۱۳, ۸۰).

با توجه به اطلاعات بالا در مورد «شاه بوسی‌نی» می‌توان دو فرض را در نظر گرفت. نخست از آنجاکه ساسان نیای ساسانیان بوده و شاهان این سلسله، خاندان خود را «خاندان ساسان» می‌نامیدند (Skjærvø et al, ۱۹۸۳: line ۱۳, ۸۰)، می‌توان «شاه بوسی‌نی» را آوانوشت نام ساسان دانست. اشاره متن *لیان‌شو* بر اینکه ساسانیان نام نیای خود را بر سلسلهٔ خود نهاده‌بودند، تأکیدی بر این ادعاست. فرض دوم آن است که این نام آوانوشتی از نام «پاپک شاه» باشد که او نیز نیای شاپور و دیگر شاهان ساسانی نیز بوده است. جملهٔ حاوی نام بوسی‌نی در *دانشنامه زه فو یوان گوئی* (۴۶) نیز تکرار شده است (Wang Qinruo, ۱۹۶۰, j. ۹۵۶). (۴۷).
شین‌تانگ‌شو (۴۸) نیز به اطلاعات فوق اشاره دارد اما روایت جالبی نیز از تبار «شاه بوسی‌نی» دارد که جالب توجه است. در این کتاب آمده است که:

其先波斯匿王，大月氏別裔，王因以姓，又為國號。(Ou Yangxiu, ۱۹۷۵: j. ۲۲۱, ۶۲۵۸)

پادشاه قبلی آن بوسی‌نی یکی از اولاد دایوئه‌جی (۴۹) [کوشانیان] بود و پادشاه کنونی این اسم را به عنوان نام فامیلی خود گرفت و بعد این اسم نیز عنوان کشور شد.

تأکید بر تبار کوشانی برای نیای ساسانیان در منابع دیگر چینی نیز ذکر شده است. برای نمونه در *زی‌جی تون‌جی‌ان* (۵۰) آمد که:

其先波斯匿王，大月氏別裔，王因以姓，又以為國號。

بوسی‌نی شاه [بوسی] بود که نام خانوادگی او بر کشورش نیز اطلاق می‌شد و از تبار دایوئه‌جی (۵۱) بود (Sima Guang j, ۱۹۹).

همینطور در *تون‌دی‌ان* (۵۲)، *ون‌شیان تون‌کائو* (۵۳) و *دوشی فان‌یو‌جی‌یائو* (۵۴) جزئیات بیشتری از نژاد و نام خاندان ساسانی ثبت شده است که عبارت از:

大月氏之别种。其先有波斯匿王，其子孙以王父字为氏，因为国号焉。王姓波斯

[پارس] شاخه‌ای از دایوئه‌جی است. نخستین شخص این سلسله، بوسی‌نی نام داشت و فرزندان او از نام جد خویش را برای سلسله و کشورشان استفاده می‌کنند. نام خانوداگی شاه «بوسی» [پارس] است (Du You, j. ۱۹۳; Mā Duānlín, j. ۳۳۹).

روایت متون فوق از تبار کوشانی «بوسی‌نی» با مطالعات برخی از محققان مطابقت دارد. تحقیقات مکنزی از نام‌های پارسی در نسا نشان داده است که ساسان نامی متداول در شرق سرزمین اشکانی یا نسا بود (MacKenzie ۱۹۸۶: ۱۱۴). ولادیمیر لیوشیتس بر این باور بود که ساسان از «ساسانا» در زبان ایرانی کهن برگرفته شد و نام ایزدی زرتشتی بود که در هندوپارت و خوارزم مورد احترام بود (Livshits ۲۰۱۰, p. ۲۵۳-۲۵۴). ریچارد فرای می‌نویسد که کاربرد «ایزد ساسان» در شرق ایران دلیل اهمیت یافتن ساسان در نزد شاهان ساسانی شد و این خاندان، ساسانی نام گرفت. از نظر فرای روایت کارنامه اردشیر بابکان و شاهنامه فردوسی درباره اینکه شاهان ساسانی از تبار کیانیان هستند و در دوره اسکندر در هند می‌زیسته‌اند (فردوسی، ۱۳۸۴، دفتر ششم: ۱۳۹-۱۴۰)، احتمالی است بر اینکه ساسانیان از تبار خاندان هندوپارتی بوده‌اند. بر همین اساس احتمالاً ساسان به نزد پاپک شاه پارس رفت تا در کنار وی به سلطه پارتیان پایان دهد (فرای، ۱۳۸۰: ۴۵۵-۴۵۶ و ۴۶۶-۴۶۷). مارک اولبریخت نیز با فرای موافق است و باور دارد که ساسان پدر اردشیر اول، یک شاهزاده هندو پارسی از خاندان گندوفارس بوده است. به گفته وی بعد از اینکه اردشیر بر تخت شاهی تکیه داد، از ترس نجبای پارس سعی داشت تا خود را پسر پاپک شاه پارس جا زده و خاطره پدر هند و پارسی خود را محو سازد (Olbricht, ۲۰۱۶: ۳۴-۳۵).

کوشانیان در نیمه دوم سده اول میلادی بخشی از قلمرو حکومت هند و پارسی را فتح کرده و امپراتوری کوشانی را بنیان گذاشته‌اند. مطابق هوهان شو، کوجولا کادفیسس (۵۵) بنیانگذار امپراتوری کوشان، شمال غربی هند و قلمرو هند و پارسی‌ها تصرف کرد (Hill, ۲۰۰۹: ۲۹). شکل گیری امپراتوری کوشان که در منابع چینی از آن با عنوان یاد می‌شود، باعث شد تا مورخان چینی در مورد این قدرت اطلاعات زیادی به دست دهند. در واقع، مورخان چینی از حکومت هند و پارسی یاد نمی‌کنند و در قرن اول و دوم میلادی مناطق مابین چین و ایران اشکانی را متعلق به

کوشانیان دانسته و برای همین سرزمین هند و پارتیان را نیز سرز مین کوشانی می‌نامند. بنابراین روایت شین‌تانگ‌شو از کوشانی بودن نیای ساسانیان (Ou Yangxiu, ۱۹۷۵: j. ۲۲۱, ۶۲۵۸ تا حدودی درست است و اشاره بر آن دارد که وی در شمال غربی هند می‌زیسته است. اینکه واپسین شاه هند و پارتی به «فرن-ساسان» (۵۶) (۲۲۶-۲۱۰ م.) معروف بوده است، تأکیدی دیگر بر متداول بودن نام ساسان در بین هند و پارتیان بوده که قلمروشان به تصرف کوشانیان و ساسانیان درآمد.

ب) پرتره سفیر پارس در دربار لیان

خاطره حضور سفیر ساسانی در سال ۵۳۰ میلادی به دربار اوو علاوه بر لیان‌شو، توسط دربار لیان بر روی دیوار به تصویر کشیده شد که کتیبه‌ای نیز با خود دارد (شکل ۱). «پرتره‌های پیشکش» به دربار لیان (۵۷) نقش برجسته هیات‌های سفرای کشورهای خارجی است که بنا بر روایات توسط امپراتور یوان (۵۸) از خاندان لیان تهیه شده و از جمله نخستین نقاشی دیواری برجای مانده از این نوع است که به عنوان الگو برای پرتره‌های بعدی مورد توجه بوده است (Ge, ۲۰۱۹: ۱۲۴, ۱۳۰). اصل این اثر از بین رفته است و تنها نسخه باقی مانده از این اثر نسخه‌ای است که در دوره سلسله سونگ در قرن یازدهم از روی نسخه اصلی مرمت و تهیه شد. این پرتره هم اکنون در موزه نانجین (۵۹) نگهداری می‌شود (Yu, ۲۰۱۸: ۶۸). نسخه اصلی شامل حداقل بیست و پنج پرتره از سفرا خارجی بود که در نسخه‌ای سلسله سونگ تنها دوازده پرتره باقی مانده است (شکل ۱). نگاره سفیر در این اثر دارای چهره‌ای شبیه مردمان چین است و تنها کلاه وی شباهت اندکی با کلاه مردمان دوره ساسانی دارد (شکل ۲). ولی به احتمال بسیار در پرتره اصلی سفیر چهره یک ایرانی را داشته است. خوشبختانه از روی پرتره دیگری متعلق به امپراتور یوان از سلسله لیان (۶۰) می‌توان چهره سفیر را که دارای کلاهی به سبک ایرانیان دوره ساسانی است، مشاهده کرد (شکل ۳). سفیر در این پرتره همچنین گوشوار دارد، ظاهراً رسم بزرگان ساسانی این بود که گوشوار بر گوش اندازند همانطور که در سنگ نگاره‌های ساسانی نیز مشهود است. طبری در مورد یزدگرد سوم می‌نویسد: «مردیست پیچیده موی با دو دسته موی به دو طرف سر با دندان‌های مرتب با گوشوار و بازوبند» و باز نویسد که یزدگرد دو گوشوار داشت (طبری، ۱۳۷۵، جلد پنجم: ۲۱۵۲).

این اثر که سفرای دربار امپراتور یوان (۵۵۵-۵۵۲ م) را تصویر می‌کند، «ورود بازدید کنندگان خارجی» نام دارد. اگرچه اصل اثر امروز وجود ندارد، نسخه‌ی کپی آن که توسط نقاش گو دکیان (۶۱) در دوره‌ی تانگ جنوبی (۹۳۷-۹۷۶ م.) نقاشی شده، باقی مانده‌است. اثر دیگری که تصویر واضح‌تری از سفیر ساسانی به دست می‌دهد، پرتره‌ی سفیر بوسی در نقاشی «جمع شاهان» (۶۲) است (Zhou, ۱۵۵: ۲۰۰۹). که توسط لیان لی بیان (۶۳) (۶۷۳-۶۰۱ م.) کشیده شده است (شکل ۴). در این نگاره علاوه بر کلاه، چهره‌ی سفیر نیز به مانند مردم غرب آسیا است. کلاه سفیران ساسانی در این پرتره‌ها بسیار با شکل کلاه بزرگان دربار شاهان ساسانی در سنگ‌نگاره‌های ساسانی شباهت دارد (شکل ۵ و ۶). در دوره‌ی سونگ، کتیبه‌های سیزده پرتره در دست است. یکی از این پرتره‌های بازسازی شده، پرتره‌ی سفیر بوسی [پارس] است. اگرچه بیشتر قسمت‌های کتیبه‌ی این پرتره تقریباً همان گزارش فصل پنجاه و چهارم لیان شو است، با این حال در برخی جاها اطلاعات بیشتری دارد که جالب توجه است. متن کتیبه‌ی فوق عبارت است از:

波斯國使

波斯蓋波斯匿王之後也王子祇陁之子孫以王父字爲氏因爲國稱

□ [釋] 道安西域諸國 □ [志] 捷陁越西西海中有安息國捷陁越南波羅
 陁國波羅陁國西有波羅斯國城周回三十二里高四 □ [丈] 皆 □
 [築] 土爲基
 城門皆有樓觀城內屋宇數百閒城外有寺一百四五十里有土山
 泉下流向南山中有鷲鳥 □ [噉] 羊時時下地銜羊而去土人患
 之又優鉢 曇花出 □ [龍] 駒馬別有鱗池
 □ [出] 珊瑚馬 □ [磔] 虎 □ [魄] 真珠坟 [玫] 珣等寶土人
 不甚
 珎交易用金銀婚禮以金帛奴 □ [婢] 牛馬等以四疋馬爲五彩
 爲蓋
 迎婦兄弟把手付度國東萬五千里滑國西萬里極婆羅門國南萬
 里有 又婆羅門國北萬里卽 (沉) [泛] 壞國大
 □ [通] 二年遣 [使] 至安 □ 越奉 □ [獻] 佛牙

سفیر سرزمین بوسی: [شاهان] پارس از اعقاب «شاه بوسی‌نی» (۶۴) بودند. فرزندان شاهزاده کی‌تو (۶۵) از روی احترام نام نیای خود را به عنوان نام خانوادگی‌شان استفاده می‌کردند. سپس این نام به کشورشان اطلاق شد. طبق شی‌یو جوگواجی (۶۶) نوشته داثوان (۶۷) یک راهب، در غرب جی‌آن توپو [گندهارا] (۶۸) و در وسط دریای غربی سرزمین آن‌شی (۶۹) قرار دارد، در جنوب جی‌آن توپو سرزمین بولوتو (۷۰) است و در غرب بولوتو سرزمین بولوسی (۷۱) است. در این کشور شهری وجود دارد که مساحت آن سی و دو لی است. دیوار شهر، چهار ژان ارتفاع دارد و در همه جای روی آن ساختمانهایی وجود دارد. در داخل شهر چند صد تا هزار خانه و معابد وجود دارد و در خارج از شهر نیز دویست یا سیصد معبد بودایی وجود دارد. پانزده لی در غرب شهر کوههایی وجود دارد. کوه‌ها خیلی بلند نیستند اما تا دوردست امتداد یافتند. در میان کوه‌ها کرکس‌هایی وجود دارند که گوسفندان را می‌بلعند و بومیان را بسیار آزار می‌دهند. در این ایالت گلی به نام یوبوتان (۷۲) وجود دارد. این سرزمین کره اسب‌های سرحال تولید می‌کند. در دریاچه‌ها درخت‌های شان‌بو (۷۳) [مرجانی] وجود دارد که طول آنها یک یا دو چی (۷۴) است. همچنین هوپو (۷۵)، مانائو (۷۶)، «مرواریدهای اصل» و می‌گوئی (۷۷) [میکا] وجود دارد که در این سرزمین ارزش زیادی ندارند. در بازارها کالاها با طلا و نقره معامله می‌شوند. هدیه‌های نامزدی در عروسی‌ها طلا و ابریشم، کنیز و غلام، گاو نر، اسب‌ها و غیره است. همچنین کالسکه‌ای با پوشش چند رنگ است که توسط چهار اسب کشیده می‌شود. داماد به همراهی مردانی که تعدادشان می‌توان به ده‌ها نفر برسد، به خانه عروس رفته تا او را به خانه خود ببرد. سپس برادران عروس می‌آیند و می‌چ او را می‌گیرند تا او را به داماد تحویل دهند. از شرق پانزده هزار لی تا سرزمین خوا (۷۸) فاصله است. هر کس از اینجا به غرب برود و پس از ده هزار لی به سرزمین پولوومن (۷۹) می‌رسد. به سوی جنوب ده هزار لی فاصله است تا ... علاوه بر این، سرزمین فان‌لی (۸۰) در شمال سرزمین پولوومن به فاصله ده هزار لی قرار دارد. در سال دوم دوره جون‌داتون (۵۳۰ م.)، این سرزمین [کشور پارس] فرستادگان خود را فرستاد، آن ... یوئه (۸۱) به منظور پیشکش دندان بودا به دربار آمد (Yu, 2018: 110-111).

مقایسه متن بالا با متن مندرج در لیان‌شو گویای این است که این دو متن دو روایت متفاوت از یک منبع هستند. این دو متن در موارد ذیل تفاوت‌هایی نیز دارند:

- در کتیبه پرتره دربار لیان، نام شاهزاده کی‌تو آمده که در متن لیان‌شو نیست.

- جمله «طبق شی‌یو جوگواجی (۸۲) نوشته داتوان (۸۳) یک راهب، در غرب جی‌آن توپو [گندهارا] (۸۴) و در وسط دریای غربی سرزمین آن‌شی (۸۵) قرار دارد، در جنوب جی‌آن توپو سرزمین بولوتو (۸۶) است و در غرب بولوتو سرزمین بولوسی (۸۷) است» در لیان‌شو نیست.
- نام «آن ... یوئه» که کاراکتر میانی آن پاک شده، اسم فرستاده شاه ساسانی است که تنها در کتیبه پرتره دربار لیان از وی نام برده شده است
- غلط‌های محتوایی که در کتیبه پرتره دربار لیان وجود دارد باعث اشتباه در فهم کتیبه شد. برای نمونه نام دوره چون داتون به صورت داتون حک شده است و به احتمال بسیار کاراکتر جون (۸۸) از قلم افتاده است.

نام شاهزاده «کی‌تو» (۸۹) در اینجا بسیار جالب توجه است. این نام به لحاظ زبانی می‌تواند آوانوشتی از نام خسرو باشد. آوانویسی مشابه‌ای از این اسم در متون دوره تانگ نیز دیده می‌شود. در منابع چینی از شخصی به نام «جولو» (۹۰) نام برده می‌شود که پسر آلوهان (۹۱) یا بهرام فرزند آخرین شاه ساسانی بود (Zhang, ۱۹۷۷, Vol. ۳: ۱۲۷). «جولو» نیز احتمال بسیار همان خسرو است زیرا که طبری از شخصی به نام خسرو نام می‌برد که در ۲۲۸/۲۹ م. در ارتش خان ترک در ماوراءالنهر با اعراب می‌جنگید. طبری می‌نویسد: «خسرو پسر یزدگرد با سی تن پیش آنها آمد و گفت: ای گروه عربان چرا خودتان را به کشتن می‌دهید، من بودم که خاقان را آوردم که مملکت را به من بازدهد و برای شما امان می‌گیرم.» (طبری، ۱۳۸۳: جلد نهم، ۴۱۰۱). بنابراین جولو آوانویسی خسرو است. در ادامه نگاه به منابع دوره ساسانی و حوادث سالهای پایانی حکومت قباد اول گویای آن است که خسرو اول قدرت را مقارن سال ۵۳۰ م. در دست داشته و احتمال بسیار همان او بوده که سفیر به دربار لیان فرستاده بود و در کتیبه با عنوان شاهزاده «کی‌تو» از وی یاد شده است.

بررسی وقایع داخلی تاریخ ساسانی در سال ۵۳۰ م. نشان می‌دهد که در این زمان خسرو توسط قباد به جانشینی انتخاب شده بود (Crone, ۱۹۹۱: ۳۲) و با مرگ قباد در ۵۳۱ م. بر تخت شاهی نشست. درحقیقت، پس از سر و سامان دادن مسائل داخلی و خارجی، قباد در سالهای بعد از ۵۲۰ به دنبال تثبیت موقعیت جانشین خود از طریق جلب حمایت امپراتور روم از فرزندش بود

(Procopius, ۱۹۱۴, ۱, ۱۱, ۱-۳۰). گزارش فردوسی نشان می‌دهد که خسرو در سال‌های پایانی حکومت قباد بسیار نیرومند شده بود (فردوسی، ۱۳۸۴، دفتر هفتم: ۸۱-۸۲). به طوری که:

ز کسری چنان شاد شد شه‌یار / که شاخش همی گوهر آورد بار
از آن پس همه رای با او زدی / سخن هرچ گفتی از او بشندی

ابن بلخی نیز می‌نویسد که شاهزاده خسرو در اواخر عمر پدرش، وی را نصیحت کرد که اعتقادش را با خدا نیکو گرداند و پس از نبرد با رومیان نیت کند که بدعت مزدکیان را بر دارد. قباد چون از جنگ با روم بازگشت، اختیار ملک را به خسرو سپرد. خسرو نیز با شدت بسیار با مزدکیان درگیر شده بود و قباد در اواخر حکومت خویش، در گوشه‌ای به ستایش خداوند و توبه از گناه گرایش به مزدکیان مشغول بود. بنابراین پادشاهی عملاً به خسرو وانهاده شده بود (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۸). شاید همین جایگاه خسرو در سال‌های پایانی حکومت پدرش موجب شده بود که با عنوان «شاهزاده خسرو» سفیر به دربار حکومت‌های همجوار بفرستد. علاقه خسرو به دانش و هنر شاید یکی از دلایل ارتباط ساسانیان با حاکمان لیان باشد. در زمان وی کتاب کلیله و دمنه از زبان سانسکریت به زبان پهلوی ساسانی ترجمه شد، آزادی مذهبی برای ادیان غیرزرتشتی، مانند مسیحیت و یهودیت وجود داشت، اصلاحات اقتصادی و مالیاتی انجام گرفت، علم و دانش به خصوص در دانشگاه گندی شاپور رشد چشمگیر یافت، بازی شطرنج از هند به ایران آورده شد. توجه و علاقه خسرو به دانش و فرهنگ مردمان مجاور باعث شد که وی به دربار حاکمان بودایی لیان نیز سفیر بفرستد.

نتیجه

بر تخت نشستن خسرو انوشیروان سرآغاز درخشان‌ترین دوره زمام‌داری ساسانیان و عصر اعتلای فرهنگ این دودمان بود. اصلاحات وی که به سازمان آشفته‌ی کشور سامان داد، پیشرفت اقتصادی، ادبی، علمی و هنری چشمگیری را برای ایرانیان به ارمغان آورد. در زمان او خدای‌نامه‌ها، متون دینی، فقهی و حماسی گردآوری شد تا بخشی از تاریخ ایران باستان برای آیندگان حفظ شود. میراث دیگر عصر خسرو انوشیروان ارتباط وی در کسب دانش ملت‌های همجوار بود که منجر به ورود آرا و اندیشه‌های آنها به ایران شد. از همین رو او فیلسوفان مکتب آتن را که توسط ژوستینین از سرزمین‌شان رانده شده بودند، پذیرفت. در عصر وی ترجمه‌هایی به فارسی میانه از آثار یونانی، سریانی و سانسکریت انجام شد و داستان‌های بسیاری در متون اسلامی درباره وزیر بزرگ و دانای

او بزرجمهر نقل شد. رواج شطرنج که از هندوستان به ایران آمد نیز بدو نسبت داده شده است. سیاست‌نامه‌ها و دیگر متون سخنان خردمندانه بسیاری از خسرو انوشیروان نقل کردند چنانکه می‌توان گفت او سرچشمه بسیاری از داستان‌های تمثیلی درباره گفتگو بین شاه و مردم عادی است. در امور دینی، خسرو اول در کار دین‌های غیر زرتشتی نیز تسامح می‌نمود. اگرچه شکل نهایی و ثابت دین زرتشتی و اصول ثنویت در زمان خسرو پدیدار شد. از سوی دیگر در چین نیز هم زمان با خسرو اول، امپراتور اوو از خاندان لیان حکومت می‌کرد که شیفته ادبیات بود و به دین بودایی باور داشت. در همین زمان متون چینی از جمله لیان‌شو از سفرای ساسانی که نخستین آنها در ۵۳۰ م. به دربار لیان آمدند، سخن می‌گویند. سال‌هایی که قباد اول واپسین لحظات عمر را سپری می‌کرد و همانطور که گفته شد خسرو اول عملاً ملک ساسانیان را اداره می‌کرد. بر همین اساس این متن از ساسانیان و نیای آنها می‌نویسد که مطابق منابع ایرانی-اسلامی و دیگر متون چینی شاید اشاره به ساسان باشد. در ادامه کتیبه پرتره سفیر بوسی یا سرزمین ساسانی به شاهزاده «کی‌تو» اشاره می‌کند. کی‌تو به لحاظ زبانی می‌تواند آوانوشتی از نام خسرو باشد زیرا که آوانویسی مشابه‌ای از این اسم در دیگر متون نیز دیده شده‌است. در پایان نویسنده در نوشتار حاضر به بررسی پرتره سفیر پارس در دیگر نقوش دوره لیان، تانگ و سونگ پرداخت تا پوشش و چهره سفیر بیشتر بررسی شود که خود تأکیدی بر درستی این گفته است که سفیر بوسی همان سفیر ساسانی بوده است.

پی نوشت:

- ۱- Eastern Wei (東魏).
- ۲- Western Wei (西魏).
- ۳- Emperor Wu (武帝).
- ۴- Qianlong(乾隆帝).
- ۵- The Eight Friends of Jingling.
- ۶-Qituo or Zhituo (祇陁/祇陀).
- ۷-Edwin Pulleyblank.
- ۸-Bosi (波斯).
- ۹-Zhōng dàtōng (中大通) ۵۲۹-۵۳۴.
- ۱۰- Zhōng dàtōng (中大通).
- ۱۱-Dàtóng (大同).
- ۱۲-Emperor Wu of Liang (梁武帝).
- ۱۳-Weilüe(魏略).
- ۱۴- Shaanxi.
- ۱۵ - قَرَه‌قُروم یا قراقروم (واژه‌ای ترکی به معنای شن سیاه) نام رشته‌کوهی در شمال شرق پاکستان، شمال هند، غرب هیمالیای نپال (لبه غربی هیمالیا) است و به وسیله رود سند از هیمالیا جدا می‌شود.
- ۱۶ - جاده اسب چای (Tea Horse Road) یا چاما گودائو (茶馬古道 chamagudao) به معنی جاده باستانی اسب-چای، شبکه‌ایی از مسیرهای کاروانی بود که از میان کوه‌های از هند به جنوب غربی چین راه می‌یافت. این جاده ابریشم جنوبی یا جاده ابریشم جنوب غربی نیز نامیده می‌شود.
- ۱۷- Kukogng
- ۱۸- Yingdak
- ۱۹- Suikai
- ۲۰- Cosmas Indicopleustes.
- ۲۱- کالاهای بوسی (bo si 波斯) تولیداتی که توسط ایرانیان به چین آورده شده‌اند یا توسط ایرانیان ساخته شده‌اند.
- ۲۲- مطابق وی شو معلوم می‌شود کالاهای بو سه که به چین وارد می‌شدند عبارت بودند از: مرجان، عنبر، عقیق، مروارید، شیشه شفاف و مات، سنگ بلور، الماس، فولاد، سنگ‌گرف، جیوه، کندر، زردچوبه، صمغ استراک، حریرگلدار، گلدار (زررقت)، فلفل سیاه، دار فلفل، خرما، اقونیطون، مغز گال و ریشه جوز. سوئی شو علاوه بر ذکر

فهرست محصولات ایرانی که در بالا به آن اشاره شد، مواردی دیگر شامل طلا، نقره، سرب، چوب صندل، منسوجات مختلف، شکر و وسه را به این فهرست اضافه می‌کند. اکثر این تولیدات از هند یا سیلان می‌آمدند و فقط تعداد معدودی از آنها تولیدات عربستان یا سرزمینهای اطراف خلیج فارس بودند (Chau Ju-kua, ۱۹۱۱: ۱۶).

۲۳- jiāng (江).

۲۴- Jiangzuo (江左).

۲۵ - نام دیگر این رود یان تسه (揚子江) (Yangtze) است.

۲۶- Changjiang (長江).

۲۷- Jiankang (建康).

۲۸- در خوانش این متن دشوار از کمک‌های آقای دکتر لیو بین جون (Liu Yingjun) استاد ایران‌شناسی دانشگاه پکن بهره بسیار برده‌ام.

۲۹- Bosini (波斯匿).

۳۰- youbotan (優鉢曇).

۳۱- shanhu (珊瑚).

۳۲- chi

۳۳- hǔpō (琥珀).

۳۴- ma'nǎo (馬腦).

۳۵- meigui (玫瑰).

۳۶- Poluomen (婆羅門).

۳۷- Fanli (汎慄).

۳۸- Zhōng dàtōng (中大通) ۵۲۹-۵۳۴.

۳۹- Emperor Wen of Sui (隋文帝).

۴۰- Pasenadi.

۴۱- Prasenajit.

۴۲- Aikṣvāka.

۴۳- Kosala.

۴۴- Pasenadi.

۴۵ - معادل یک و نیم کیلو.

۴۶- دانشنامه زه فو یوان گوئی ((Cefu yuangui (冊府元龜) توسط وانگ کین رو (Wang Qinruo (王欽若) (۹۶۲-۱۰۲۵ م) گردآوری شده است.

۴۷- 波斯國其先有波斯匿王者子孫以王父字為氏因為國號

سرزمین بوسی: یکی از اجداد مردم آن «شاه بوسی‌نی» بود که بازماندگانش بخشی از نام وی را از روی احترام به عنوان نام خانوادگی‌شان انتخاب کردند. سپس آن نام به کشورشان اطلاق شد.

۴۸- Xin tangshu (新唐書).

۴۹- dà yuè zhī (大月氏).

۵۰- زی‌جی تون‌جی‌ان ((Zizhi tongjian (資治通鑑) (آینه جامع در کمک به حکمرانی) یک اثر مرجع پیشگام در تاریخ‌نگاری چین است که در سال ۱۰۸۴ میلادی در زمان سلسله سونگ به صورت وقایع‌نامه منتشر شد.

۵۱- dà yuè zhī (大月氏).

۵۲- تون‌دی‌ان ((Tongdian (通典) دانشنامه‌ای است که مباحث مربوط به دوران باستان تا سال ۷۵۶ م. را شامل می‌شود و یک چهارم کتاب به سلسله تانگ می‌پردازد. این کتاب توسط دویو ((Du You (杜佑) طی سال‌های ۷۶۶ تا ۸۰۱ میلادی نوشته شده است.

۵۳- ون‌شیان تون‌کائو ((Wenxian Tongkao (文獻通) یکی از کارهای نمونه تونگ دان بود که توسط ما دونلین ((Mǎ Duānlín (馬端臨) در ۱۳۱۷ م. تدوین شد.

۵۴- دوئسی فان‌یو جی‌یائو ((Dushi Fangyu Jiyao (讀史方輿紀要) یا ملزومات جغرافیا برای خواندن تاریخ، کتابی مهم و ارزشمند است که توسط گو زوویو ((Gu Zuyou (顧祖禹) جغرافیدان سلسله چینگ بین سال‌های ۱۶۳۰-۱۶۶۰ م. نوشته شد.

۵۵- Kujula Kadphises.

۵۶- Farn-Sasan.

۵۷- Zhí gòng tú (職貢圖).

۵۸- Emperor Yuan of Liang (梁元帝).

۵۹-The Nanjing Museum.

۶۰- Emperor Yuan of Liang (梁元帝).

۶۱- Gu Deqian (顧德謙).

۶۲- The Gathering of Kings (王會圖).

۶۳- Yan Liben (閻立本).

- ۶۴- Bosini (波斯匿).
- ۶۵- Qituo or Zhituo (祇隨/祇陀).
- ۶۶- Xiyu Zhuguo (西域諸國志).
- ۶۷- Dao'an (道安).
- ۶۸- Jiantuoyue (撻 隨 越).
- ۶۹- Anxi (安息).
- ۷۰- Boluotuo (波羅隨).
- ۷۱- Boluosi (波羅斯).
- ۷۲- youbotan (優鉢曇).
- ۷۳- shanhu (珊瑚).
- ۷۴- chi
- ۷۵- hǔpō (琥珀).
- ۷۶- ma'nǎo (馬 腦).
- ۷۷- meigui (玫 珉).
- ۷۸- Hua guo (滑國).
- ۷۹- Puluomen (婆羅門國).
- ۸۰- Wanli (萬里).
- ۸۱- An ...yue (安 越)
- ۸۲- Xiyu Zhuguo (西域諸國志).
- ۸۳- Dao'an (道安).
- ۸۴- Jiantuoyue (撻 隨 越).
- ۸۵- Anxi (安息).
- ۸۶- Boluotuo (波羅隨).
- ۸۷- Boluosi (波羅斯).
- ۸۸- Zhong (中).
- ۸۹- Qituo or Zhituo (祇隨/祇陀).
- ۹۰- Jū Luó (俱羅).
- ۹۱- ā luó hàn (阿羅漢).

فهرست منابع و مطالعات

- ابن بلخی، (۱۳۸۴)، *فارسنامه*، تصحیح گای لیسترانج-رینولدآلن نیکلسون، تهران: اساطیر.
- تجدد، نهال، (۱۳۶۹)، «نقش زبان‌های ایرانی در انتشار چند دین در آسیای مرکزی و چین»، ایران‌نامه، ش. ۳۰، صص ۲۶۱-۲۷۲.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۳۶۸)، *تاریخ ثعالبی: غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم؛ پاره نخست ایران باستان*، ترجمه محمد فضائی، تهران: نشر نقره.
- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۸۰)، *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۴)، *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار، نیویورک: بنیاد میراث ایران.
- فرنیغ دادگی، (۱۳۷۵)، *بندهش*، ترجمه مهرداد بهار، چاپ ششم، تهران: توس.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- نویسنده گمنام، (۱۳۱۸)، *مجمل التواریخ و القصص*، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران: خاور.

References

- Ge, Zhaoguang, (۲۰۱۹), "Imagining a Universal Empire: A Study of the Illustrations of the Tributary States of the Myriad Regions Attributed to Li Gonglin," *Journal of Chinese humanities*. ۵: ۱۲۴-۱۴۸.
- Crone, Patricia, (۱۹۹۱), "Kavād's Heresy and Mazdak's Revolt," *Iran*, ۲۹: ۲۱-۴۲.
- Daryaee, Touraj, (۲۰۱۴), *Sasanian Persia: The Rise and Fall of an Empire*, B. Tauris, London.
- Dien, Albert E, (۱۹۶۲), "The 'sa-pao' Problem Re-examined," *Journal of the American Oriental Society*, Volume ۸۲, ۳۳۵-۳۴۶.
- Du You 杜佑, *Tongdian 通典*, j. ۱۹۳, available at Database of Chinese classic ancient books via <http://www.guoxue123.com/shibu/0101/01tdf/193.htm>
- Du You 杜佑, (۱۹۸۸), *Tongdian 通典*, Beijing: Zhonghua shuju, j. ۴۰, ۱۹۳.

- Eberhard, Wolfram, (۱۹۷۱), *A History of China*, Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Flandin, E and P, Cost, (۱۸۵۱- ۱۸۵۴), *Voyge en Perse*, ۲. Vols, Paris.
- Frye, R.N., ۱۹۸۳, *The history of ancient Iran*, München: C. H. Beck'sche Verlagsbuchhandlung.
- Gu Zuyu, Dushi Fangyu Jiyao (读史方輿纪要), j. ۶۵, available at Database of Chinese classic ancient books via <http://www.guoxue۱۲۳.com/biji/qing/dsfjy/۰۷۸.htm>
- Hill, John E., (۲۰۰۹), *Through the jade gate to Rome: a study of the silk routes during the Later Han Dynasty ۱st to ۳rd centuries CE: an annotated translation of the chronicle on the 'Western Regions' in the Hou Hanshu*, Charleston, South Carolina: BookSurge Publishing.
- Li Yanshou 李延壽, (۱۹۷۵), *Nanshi 南史*, Beijing: Zhonghua shuju.
- Livshits, V.A., (۲۰۱۰), *Parfyanskaya onomastika*, St. Petersburg.
- MacKenzie, D.N., (۱۹۸۶), "Names from Nisa", in *Peredneaziatskii sbornikIV: Drevniaia i srednevekovaia istoriia i filologiiia stran perednego i srednego vostoka*, Moscow: ۱۰۵-۱۱۵.
- Mā Duānlín 馬端臨, *Wenxian Tongkao (文献通考)*, j. ۳۳۹, available at Database of Chinese classic ancient books via <http://www.guoxue۱۲۳.com/shibu/۰۴۰۱/۰۱wxtk/۳۳۹.htm>
- Olbrycht, marek, (۲۰۱۶), "Dynastic Connections in the Arsacid Empire and the Origins of the House of Sāsān," in: *The Parthian and Early Sasanian Empires: Adaptation and expansion*, edited by Michael Alram and Touraj Daryaee., Oxford and Philadelphia: Oxbow, ۲۳-۳۵.
- Procopius, (۱۹۱۴), *History of the Wars*, Vol. ۱, Books ۱-۲: *The Persian War*, translated by H.B. Dewing, New York: Macmillan.
- Sigley, Gary, (۲۰۱۳), "The Ancient Tea Horse Road and the Politics of Cultural Heritage in Southwest China: Regional Identity in the Context of a Rising China," in: Helaine Silverman and Tami Blumenfield (eds), *Cultural Heritage Politics in China*, New York: Springer, pp. ۲۳۵-۲۴۶.
- Skjærvø, P.O. and H. Humbach, (۱۹۸۳), *The Sassanian Inscription of Paikuli*, Wiesbaden.
- Sima Guang 司馬光, *The Zizhi Tongjian (Chinese: 資治通鑑)*, j. ۱۹۹, available at Database of Chinese classic ancient books via <http://www.guoxue۱۲۳.com/shibu/۰۱۰۱/۰۱zztjhz/۱۹۹.htm>

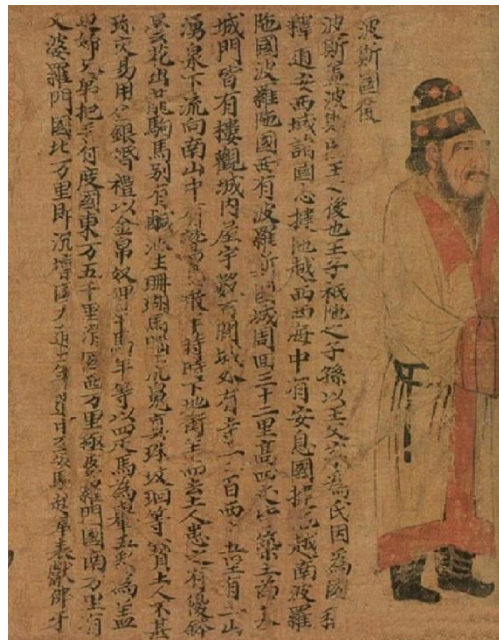
- Sprengling, Martin, (۱۹۵۳), *Third Century Iran: Sapor and Kartir*, Chicago: University of Chicago Press.
- Wang Qinruo. (۱۹۶۰), *Cefu yuangui* 冊府元龜, ۱۲ vols, Beijing, Zhong Hua Shu Ju Press.
- Yu, Taishan, (۲۰۱۸), “The Illustration of Envoys Presenting Tribute at the Liang Court,” *Eurasian Studies*, Vol. VI, pp. ۶۸-۱۲۲.
- Yu Huan, (۲۰۰۴), *The Peoples of the West from the Weilüe, A Third Century Chinese Account Composed between ۲۳۹ and ۲۶۵ CE*, Draft annotated English translation by John E Hill, available at:
<https://depts.washington.edu/silkroad/texts/weilue/appendices.html>
- Zhang Xinglang, (۱۹۷۷), *The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West (《中西交通史料汇编》)*, Vol. III, Beijing: Zhonghua Book Co.
- Zhou, Xiuqin, (۲۰۰۹), *Zhaoling: The Mausoleum of Emperor Tang Taizong*, Sino-Platonic Papers, no. ۱۸۷. Philadelphia: University of Pennsylvania.

تصاویر:

شکل ۱: قسمتی از پرتره سفرای کشورهای خارجی در دربار لیان که امروز در موزه نانجین نگهداری می‌شود (Yu, ۲۰۱۸: ۶۸).



شکل ۲: پرتره سفیر بوسی [پارس] به همراه کتیبه‌ای در مورد علت سفارت و ویژگی‌های سرزمین بوسی (Yu, ۲۰۱۸: ۶۸).



شکل ۳: پرتره سفیر بوسی [پارس] در میان سفرای دربار امپراتور یونان از سلسله لیان.



شکل ۴: پرتره سفیر بوسی در میان نقاشی «جمع شاهان» (The Gathering of Kings (王会图)) که این اثر امروزه در کاخ موزه ملی در تایپه قرار دارد.



شکل ۵: سنگ‌نگاره «دیهم‌ستانی» اردشیر از هورامزدا، اردشیر ایستاده در پیشاپیش ملازمانش، شهر گور (فیروزآباد کنونی). (Flandin and Cost, ۱۸۵۱-۱۸۵۴: p. ۴۹).



شکل ۶: صحنه پیروزی شاپور اول بر امپراتور روم که در بیشاپور قرار دارد. (Ibid: p. ۴۹).

